

## سرمقاله

### نقش مدیریت و انضباط تشکیلاتی در موفقیت حزب سیاسی

دفتر سیاسی حزب ایران آباد

یک مجموعه‌ی انسانی بدون مدیریت دوام نمی‌آورد. مدیریت به معنای به کارگیری یک سری قوانین و قواعد است تا کار مجموعه به خوبی به پیش رود. حزب سیاسی به عنوان یک مجموعه نیاز به رعایت ضوابط و استانداردهای کاری دارد. در نبود آنها امکان کار جمعی منظم و هدفمند وجود نخواهد داشت. آن چه مجموعه‌ها را از هم می‌پاشاند به طور عمده ضعف مدیریت است. هر حزبی که از مدیریت خوب برخوردار نباشد یا در کوتاه مدت با شکست مواجه می‌شود یا در یک فرایند طولانی‌تر.

نباید فراموش کنیم که یک حزب برای کسب قدرت تشکیل می‌شود، اگر حزبی در مسیر کاری خود از خط پیشروی به سوی کسب قدرت بازماند یا منحرف شود به معنای ضعف مدیریتی آن است. اما چه چیزی سبب می‌شود که یک حزب نتواند به سوی قدرت حرکت کند و ارتباط این امر با مدیریت چیست؟

به یاد داشته باشیم که حزب دارای پنج عنصر است: پایه‌های فکری مناسب، برنامه‌ی سیاسی قابل اجرا، نفرت لازم برای پیاده کردن برنامه‌ی سیاسی، امکانات مادی و مالی کافی برای این کار و در نهایت، پایگاه اجتماعی گسترده. وقتی حزب در روند کاری خود نتواند این پنج عنصر را به حد کافی برای خویش تهیه و تدارک ببیند دارای ضعف مدیریتی است. میزان کمیت و وجه کیفی این پنج عنصر باید در حدی باشد که آن حزب بتواند سهمی از قدرت سیاسی بگیرد، اگر این اتفاق روی ندهد این بدان معنی است که مجموعه خوب مدیریت نشده است.

برای قضاوت پیرامون یک حزب سیاسی نیازی به رفتن به پیچ و تاب‌های ایدئولوژیک نداریم. کافی است کارنامه‌ی آن را در زمینه‌ی رسیدن به قدرت مورد قضاوت قرار دهیم. اگر در درون

## حزب ایران آباد

محل تجمع ایرانیانی که

می‌خواهند در سایه‌ی کار جمعی

شرایط تاریخی ایران را تغییر دهند.

[www.iraneabad.org](http://www.iraneabad.org)



سناریوهای پسابرجام برای رژیم و ایران

صفحه ۳

دموکراسی در ایران در گرو شهروندانی مدرن

صفحه ۹

رابطه‌ی حزب سیاسی و مردم

صفحه ۱۳

راهنمای کار اطلاع رسانی خیابانی در خارج از کشور

صفحه ۱۷

درباره‌ی سازماندهی و مدیریت، بخش دوم

صفحه ۱۸

جامعه‌شناسی: مفاهیم و واژه‌ها (۱)

صفحه ۲۰

در کنار حفظ کمیت و کیفیت بالا، رعایت ضوابط و انضباط در دل تشکیلات خبر از مدیریت خوب می‌دهد. در نبود انضباط تشکیلاتی، فعالیت‌ها پراکنده شده و کار به هرز می‌رود. این انضباط به شکل آگاهانه، اختیاری و دقیق خود باید در درون حزب نهادینه شود، به نحوی که اعضاء برای به کارگیری آن نه احساس انجام عملی سخت را داشته باشند و نه این که اجباری بیش از حد را در این باره تجربه کنند. استقرار تدریجی و آگاهانه‌ی انضباط در یک تشکیلات ضمانتی است بر موفقیت مدیریتی آن.

یکی از ضعف‌های اساسی تشکل‌های ایرانی دست کم گرفتن عنصر ضابطه‌گرایی و انضباط در کار تشکیلاتی و بی‌توجهی به عوارض مدیریتی آن بوده است. امری که با خود ضعف عمومی تشکیلات و دور شدن آنها از خط تصرف قدرت سیاسی را به همراه داشته است. هر گونه اشکال مدیریتی که به دلیل عدم رعایت استانداردها آغاز شود با درجا زدن و یا از هم پاشیدن آن تشکیلات خاتمه خواهد یافت. به همین دلیل، در ورای بحث‌ها و جنبه‌های نظری کار تشکیلاتی باید به وجوه حرفه‌ای و مدیریتی آن توجه بسیار کرد و در این راستا موضوع رعایت ضوابط، استانداردها و انضباط کاری را نباید فراموش کرد.

حزب ایران آباد امیدوار است بتواند از همین سال‌های نخستین فعالیت خود به عنوان یک حزب حرفه‌ای اصول مدیریت مدرن را در کار خود به خدمت گیرد و بر مبنای ضابطه‌مندی و تخصص‌گرایی، نهادی را به وجود آورد که با حرکت منظم به سوی کسب قدرت در ایران در نهایت به این مهم نائل شود.

این حزب سعادت جامعه‌ی ایرانی را در گرو یک مدیریت اجتماعی و انسان‌مدار می‌داند و بدیهی است که وقتی حزبی راه‌هایی یک ملت را در گرو تکیه بر اصول مدیریتی اخلاق‌مدار می‌داند خود در این زمینه الگویی روشن و موفق در دو عرصه باشد: حرفه‌ای‌گرایی و اخلاق‌مداری.

دفتر سیاسی حزب ایران آباد

۸ خرداد ۱۳۹۵



تشکلی امر سهم‌گیری از قدرت به طور آشکار و علنی و رسمی یا به صورت ضمنی و خجالتی و غیرمستقیم کنار گذاشته شده است، باید قضاوت خود را به یکی از دو صورت پایین انجام دهیم: یا آن تشکل حزب نیست و یا این که حزبی است که بد مدیریت می‌شود. به عبارت دیگر نمی‌توان نام خود را اتومبیل نهاد و حرکت نکرد، اگر تشکلی حزب است کار آن رفتن به سوی گرفتن قدرت است، اما اگر مجموعه‌ای است که به موضوعات سیاسی می‌پردازد لیکن به سمت کسب قدرت حرکت نمی‌کند می‌تواند: سازمان فرهنگی، انجمن گفتگو، گروه مطالعاتی و امثال آن باشد.

حزب به طور ذاتی در پی کسب قدرت است و در این مسیر پیوسته تلاش دارد که در چارچوب پایه‌های فکری و برنامه‌ی سیاسی خود، به جذب هر چه بیشتر نیروهای کیفی، تدارک امکانات مالی و مادی و گسترش پایگاه اجتماعی خویش مشغول باشد. برای کسب قدرت سیاسی حزب باید روی قدرت تشکیلاتی خود حساب کند. این که چقدر نیرو به خود جذب کرده است، این که این نیروها به عنوان عضو چه میزان امکانات مالی و مادی تدارک دیده‌اند و این که به واسطه‌ی این دو، چه پایگاه اجتماعی را برای خویش فراهم کرده است. لذا یک تناسب مشخص وجود دارد میان سهم از قدرت سیاسی و توان تشکیلاتی. معادله نیز ساده است: هر چه توان تشکیلاتی قویتر، سهم از قدرت بیشتر. زیرا این توان تشکیلاتی است که نشان می‌دهد، نیروی در اختیار حزب چقدر است، امکانات مالی و مادی حزب به چه میزانی است و پایگاه مردمی حزب تا چه وسعت است. این سه تعیین می‌کنند که سهم حزب از قدرت سیاسی به چه نسبتی در قبال سایر احزاب خواهد بود.

### توان تشکیلاتی

توان یک تشکیلات به تعداد اعضاء، پشتیبانی مالی و گستره‌ی اجتماعی آن باز می‌گردد. این سه نیز به واسطه‌ی مدیریت کارآمد در حزب است که قابلیت رسیدن به حدی را پیدا می‌کند که در سایه‌ی آن قدرت سیاسی به دست می‌آید. وقتی یک حزب در امر مدیریت ضعیف است این سه را نمی‌تواند به خوبی تدارک ببیند و به واسطه‌ی این ضعف، شاهد محرومیت از کسب قدرت سیاسی خواهد بود. اما عنصر مدیریت در تشکیلات خود تابع کیفیت و کمیت کار اعضا می‌باشد. زمانی که اعضاء حزب از تلاش کافی و یا از به کارگیری عنصر کیفیت در کار خود غافل می‌شوند، زمانی که خلاقیت و نوآوری جای خود را به تکرار مکانیکی می‌سپارد و زمانی که تحقیق و مطالعه به عقب رانده شده و کپی‌برداری‌های ایدئولوژیک به جای آن می‌نشیند یک حزب با ضعف‌های اساسی مواجه می‌شود.

# سناریوهای پسابرجام برای رژیم و ایران

دکتر کورش عرفانی

سعودی، ترکیه و اسرائیل با کم‌رنگ تر کردن اختلافات قدیمی‌شان، به منظور تقابل با جمهوری اسلامی و پیشبرد سیاستی هماهنگ برای نابودسازی تمامیت ارضی ایران، در جریان است. دولت‌های اروپایی، به دلیل ترس از مجازات‌های آمریکا، هر چه بیشتر از امکان بهره‌گیری از موقعیت‌های اقتصادی پسابرجام در ایران سرخورده شده و درک نقش مخرب سپاه در این میان، تغییراتی را در سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا در برخورد با جمهوری اسلامی محتمل می‌سازد.

در یک کلام، تحولات کنونی در ارتباط با ایران، چه در سطح جهانی و چه در صحنه‌ی داخلی، نشان از سمت و سویی جدید و بسیار متفاوت با روند ۳۷ ساله‌ی گذشته دارد و بوی تغییراتی مهم از آن به مشام می‌رسد. پیگیری دقیق روند این وقایع سرنوشت‌ساز به احزاب و تشکل‌های سیاسی اجازه خواهد داد در بزنگاه تاریخی و در تناسب با مسئولیت‌های جمعی خود نقشی تأثیرگذار ایفا کنند.

بر اساس شواهد موجود می‌توان روند وقایع را در آینده‌ای نزدیک بر اساس یکی از سه سناریوی زیر تصور کرد:

## سناریوی یکم: فروپاشی نظام جمهوری اسلامی

وخامت بی‌سابقه و روزافزون بحران‌ها در ایران نشان از وضعیتی دارد که به نظر می‌رسد نظام جمهوری اسلامی را به موقعیت فروپاشی بسیار نزدیک کرده باشد؛ شرایطی که در فرهنگ سیاسی غرب از آن با واژه‌های collapse<sup>1</sup> و یا به شکلی دقیق‌تر implosion<sup>2</sup> یاد می‌کنند. ناظران خواهند توانست شواهد و علائم این فروپاشی را در زمینه‌های زیر بیابند:

شرایط جهان، منطقه و کشورمان آثار تغییراتی قابل توجه را از خود بروز می‌دهند. این شرایط سه‌گانه در چارچوب وضعیت کشورمان به هم گره خورده‌اند. در ایران تنش‌ها بین مافیاهای موجود در ساختار قدرت بر سر نحوه‌ی مدیریت بحران‌های عمیق اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و غیره روز به روز بالا گرفته و هر چه بیشتر رسانه‌ای می‌شوند. در آمریکا تلاش دولت اوباما برای به مهار کشیدن رژیم ایران به واسطه‌ی توافق برجام با خطر شکست جدی روبروست و از کارزار پر جنجال و هیاهوی انتخاباتی در این کشور این‌گونه به نظر می‌رسد که ورود رئیس‌جمهور جدید به کاخ سفید همزمان خواهد شد با چرخشی معنی‌دار در سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به رژیم ایران.

در خاورمیانه، عربستان سعودی موفق شده اتحادی گسترده را علیه جمهوری اسلامی با خود همراه کند، از جمله کشور پاکستان با قدرت اتمی و ترکیه دارای بزرگترین ارتش در میان کشورهای عضو ناتو. رجب طیب اردوغان با پیشبرد سیاست‌های فاشیستی خود به دنبال قبضه کردن کامل قدرت در ترکیه است تا رویای امپراتوری عثمانی خویش را هر چه فعال‌تر در همسایگی ایران به پیش برد. دولت دست راستی اسرائیل بیش از همیشه تلاش دارد با کمک لابی‌های قدرتمند طرفدارش در آمریکا بر روند انتخاباتی این کشور تأثیرگذار باشد تا رئیس‌جمهور آینده شانس تبدیل رژیم ایران به یک حکومت «متعارف» را در عرصه‌ی روابط بین‌الملل از بین ببرد. همزمان، دولت نتانیا هو، در راستای اجرایی کردن طرح اسرائیل بزرگ، نقش هر چه فعال‌تری در مسئله‌ی استقلال کردها در خاورمیانه بازی می‌کند. نزدیکی بی‌سابقه‌ی عربستان

ادامه مطلب در صفحه ۴

1 سقوط

2 implosion به معنای انفجار از داخل یک مجموعه است به دلیل تغییر و تحول عوامل درونی آن، بر خلاف explosion که انفجاری است بواسطه‌ی تأثیر و عملکرد عوامل بیرونی

**1. وضعیت بسیار وخیم اقتصادی:**

سنتی قدرت با هر نوع سیستم نظارتی در زمینه‌ی اقتصادی مخالفت دارد تا بدین بوسیله بتواند با دست باز به چپاول خود در تمامی عرصه‌ها همچون گذشته ادامه دهد، از طرف دیگر، مثلث جدید قدرت خواهان برقراری ضابطه‌مندی در چارچوب جمهوری اسلامی است تا بدنبال آن، سرمایه‌های خارجی رغبت به سرمایه‌گذاری در ایران پیدا کنند. شواهد نشان از راه سازشی بین این دو گرایش ندارد و به نظر می‌رسد در نهایت، این نبرد سیاسی با ماهیت مافیایی به حذف یکی از این دو جناح منجر خواهد شد. آن چه که راه را برای توافقی میان این دو مثلث سد کرده است همانا محدودیت‌های ساختاری کشور است که در بسیاری از موارد به حد شکننده و خط قرمزهای خود رسیده است.

**3. بحران اجتماعی فعال:**

بیان نارضایتی و انتقاد در سطح جامعه‌ی ایرانی هر چه فراگیرتر می‌شود. در نبود اشکال جمعی مناسب برای ابراز این نارضایتی جامعه به رفتارهای اعتراضی درون‌گرا مانند خودکشی روی آورده است. اما اعتراضات جمعی نیز رو به افزایش گذاشته است. البته تا وقتی که اعتراضات و اعتصابات به شکل پراکنده و نامنسجم باشد برای رژیم بی‌خطر محسوب خواهند شد.

وحشت نظام از پایین آمدن سطح تحمل جامعه، به حدی که دست به عکس‌العمل خشن و فعال بر ضد مسببین مشکلات بزند، آشکار است. استقرار «پلیس نامحسوس» در خیابان‌ها بیانگر ترس رژیم از جرقه خوردن انفجار خشم مردم است. بحران اجتماعی فعال - هر چند هنوز علائم آن به شکل گسترده مشاهده نمی‌شود - اما صرف احتمال بروز آن برای رژیم خطرناک بوده و خود یکی از شاخص‌های فروپاشی خواهد بود. با توجه به رشد شتاب‌یافته‌ی بحران عمیق معیشتی، صنفی، اقتصادی و اجتماعی، احتمال بروز پدیده‌ی شورش‌ها کم نیست و سرکوب بدترین پاسخی است که یک جامعه‌ی گرسنه می‌تواند به فریاد اعتراض خود دریافت کند. به همین خاطر بستر نوعی از رادیکالیسم اجتماعی فراهم شده و در انتظار فرصتی است تا به شکلی خشن خود را بروز دهد.

اقتصاد ایران به نوعی از ورشکستگی اعلام‌نشده دچار است. رکود تورمی حاکم بر ایران، افزایش سرسام آور میزان نقدینگی، از دست رفتن ارزش پول ملی و لذا سقوط شدید قدرت خرید مردم، تعطیلی گسترده‌ی واحدهای تولیدی و به واسطه‌ی آن، اوج‌گیری بحران بیکاری، همه و همه نشان از وخامت بی‌سابقه‌ی بحران اقتصادی در کشورمان دارد. وحشت رژیم از هراس مردم از وضعیت بن‌بست در صحنه‌ی اقتصادی و به دنبال آن، آشوب‌های اجتماعی، سبب شده بازیگران در هر دو جناح سنتی و جدید قدرت، توافقی ناگفته در پنهان نگاه داشتن این وضعیت از افکار عمومی داشته باشند. هر چند در جنگ قدرت بین مافیاهای حاکم بر ایران هر از چندی شاهد افشا شدن گوشه‌های کوچکی از این اوضاع بسیار وخیم اقتصادی هستیم، این افشاگری‌ها با این وجود فقط بخش روی کوه یخ مشکلات نظام است.

**2. جنگ قدرت بین مافیاهای رژیم:**

برای مهار کردن بحران‌های تودرتو و روزافزون رژیم، هر یک از دو مثلث سنتی و جدید قدرت<sup>3</sup> در جمهوری اسلامی، برخورد متفاوت و نظام مدیریتی خاص خود را پیشنهاد می‌کنند. مثلث سنتی قدرت خواهان حفظ شیوه‌های کشورداری سنتی از نوع سه دهه‌ی گذشته است و مثلث جدید قدرت معتقد است که باید کارهای اجرایی و مدیریتی را به فن‌سالاران وفادار به نظام سپرد. از این رو، نحوه‌ی مدیریت کشور در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و غیره، بنا به آن که کدام یک از این دو جناح دست بالا را پیدا کند، تغییر خواهد کرد. از یک طرف مثلث

3 مثلث سنتی قدرت در ایران متشکل از روحانیت به سرکردگی بیت خامنه‌ای، سپاه پاسداران و گندمبازاری‌ها به سرکردگی حزب مؤتلفه اسلامی است، و مثلث جدید قدرت شامل اصلاح‌طلبان به سرکردگی خاتمی، مافیای رفسنجانی و تکنوکرات‌های دولتی به سرکردگی حسن روحانی می‌باشند.

**4. بحران زیست‌محیطی و طبیعی:**

اتاق‌های فکر نظام می‌دانند که روند فروپاشی تا موقعی که به طور فعال کلید نخورده است یک پدیده است و از زمانی که در جایی شروع شود به پدیده‌ی دیگری تبدیل می‌شود. تلاش نظام اما برای پرهیز از درخورد فروریختن تنها در صورتی می‌تواند به ثمر بنشیند که توأم با تغییرات بنیادین اقتصادی و تحولات ساختاری در مدیریت کشور باشد. در شرایط فعلی چشم‌انداز این دو بسیار ضعیف است، به نحوی که به نظر می‌رسد نظام توانایی کمی برای برون‌رفت از شرایط سخت کنونی و پرهیز از فروپاشی داشته باشد. عملکرد رژیم در ماه‌های آینده شاهدهی بر این مدعا خواهد بود. باید دید که آیا جمهوری اسلامی می‌تواند در فضای پسابرجام تغییری مثبت در شرایط عمومی کشور را کلید بزند و یا این که به سوی یک در هم‌پاشی اساسی خواهد رفت.

**سناریوی دوم: بحران خارجی و جنگ**

تلاش و تکاپوی دست راستی‌ها در آمریکا خبر از کسب آمادگی و تدارک جدی برای برخورد سخت‌تر با ایران می‌دهد. هدف از این تهاجم احتمالی که با سفارش لابی قدرتمند اسرائیل و به رهبری ایالات متحده‌ی آمریکا صورت خواهد گرفت، ربودن فرصت "عادی‌سازی از دست رژیم جمهوری اسلامی و حامیان همیشگی آن در وزارت امور خارجه‌ی آمریکا خواهد بود. رژیم ایران که عملکرد وحشیانه و تروریستی آن همواره و از همان روز نخست تاکنون در جهت منافع جنگ‌طلبان جهانی و منطقه‌ای بوده است، در عرض ۳۷ سال گذشته توانسته است با دخالت‌ورزی‌ها و آشوب‌گری‌هایش در خاورمیانه، خواسته و ناخواسته، همه‌ی

بی‌آبی و خشک‌سالی شدید کنونی خبر از تابستان سختی به ما می‌دهد که شاید در دل خود اعتراضات کشاورزان و روستاییان را به همراه داشته باشد. درگیری‌های محلی بر سر آب آغاز شده و حتی شروع به گرفتن تلفات کرده است، به محض تبدیل این آشوب‌های محلی به درگیری‌های بزرگ منطقه‌ای ما شاهد استقرار فضای هراس در درون مناطق مواجه با کم‌آبی خواهیم بود. امری که می‌تواند شروعی برای مهاجرت‌های بین‌استانی و در دسرها‌ی فراوان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناشی از آن باشد.

بحران زیست‌محیطی و طبیعی به درجه‌ای از وخامت خود رسیده که نظام دیگر هیچ نوع راه برون‌رفت پایه‌ای برای آن ندارد و می‌توان پیش‌بینی کرد کوچکترین راه حلی برای مقابله با سیل مردمی که در آینده‌ی نه چندان دور به واسطه‌ی بحران زیست‌محیطی مجبور به ترک خانه و کاشانه‌ی خود می‌شوند نداشته باشد. این بحران هم عمیق است و هم طولانی. یعنی چشم‌اندازی برای بهبود آن در چند سال آینده نیست، اما دلایل زیادی بر وخامت هر چه بیشتر شرایط، در میان‌مدت، دیده می‌شود.

تمامی این شواهد حاکی از آن است که سوءمدیریت ریشه‌دار در بسیاری از عرصه‌ها، نظام و جامعه را به سرحد فروپاشی رسانده است. سردمداران رژیم که وقایع را از نزدیک رصد می‌کنند، به خوبی متوجه این خطر هستند و تلاشی - شاید مذبحانه - دارند تا این فروپاشی را به قول خود مدیریت کنند. هدف نظام این است که آغاز هر گونه رویدادی را که بتواند برای نظام خطر آفرین باشد مهار کند و به نوعی از کلید خوردن فروپاشی جلوگیری کند.

**بحران زیست‌محیطی و طبیعی به درجه‌ای از وخامت خود رسیده که نظام دیگر هیچ نوع راه برون‌رفت پایه‌ای برای آن ندارد و می‌توان پیش‌بینی کرد کوچکترین راه حلی برای مقابله با سیل مردمی که در آینده‌ی نه چندان دور به واسطه‌ی بحران زیست‌محیطی مجبور به ترک خانه و کاشانه‌ی خود می‌شوند ندارد. این بحران هم عمیق است و هم طولانی. یعنی چشم‌اندازی برای بهبود آن در چند سال آینده نیست، اما دلایل زیادی بر وخامت هر چه بیشتر شرایط، در میان‌مدت، وجود دارد.**

امتیازات خاص خویش، کشور را به سوی یک جنگ تمام عیار ببرند تا شاید در فضای جنگی بتوانند شانس برای تامین بقای خویش بیابند. آنها در چنین فضایی خواهند توانست مخالفان خویش را از ساختار قدرت بیرون برانند، در میان زندانیان سیاسی و فعالان مدنی در داخل کشور کشتار دوباره‌ای به راه ببندازند و سرانجام این که به اسم «جنگ ملی و میهنی» شرایط فقر و سرکوب را به جامعه تحمیل کنند.

هم سویی این دو گرایش، یعنی جنگ‌طلبی در آمریکا و اسرائیل از یک سو و باور به نجات‌بخش بودن جنگ میان سپاهیان در ایران از سوی دیگر می‌تواند در یک نقطه به هم تلاقی کرده و به یک رویارویی بزرگ نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه بیانجامد. کاندیداهای زیادی برای شرکت در این جنگ حاضرند که عربستان سعودی و کشورهای متحد با آن تنها یکی از این بازیگران خواهند بود. این سناریو می‌تواند پس از روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا تقویت شده و به صورت فعال درآید.

### سناریوی سوم: استحاله‌ی نظام

سناریوی سوم عبارت است از امکان فرضی بازتعریف روابط قدرت و استحاله‌ی نظام از درون. این همان جراحی ساختاری معروف است که نظام می‌تواند به آن تن دردهد و به واسطه‌ی آن بخشی از بدنه‌ی خود را حفظ کند. این سناریو البته مورد حمایت جناحی از سرمایه‌داری جهانی در آمریکا و اروپا می‌باشد. این همان جریانی از سرمایه‌داری است که در تلاش برای به چنگ آوردن فرصت‌های اقتصادی در ایران از مثلث جدید قدرت حمایت کرده و می‌کند تا به آنان توانایی دور زدن مثلث سنتی قدرت را بدهد. این گرایش از آن روی اهمیت دارد که اگر سناریوی جنگ روی ندهد درصدد است با تقویت بنیه‌ی اقتصادی نظام جمهوری اسلامی مانع از بروز سناریو نخست، یعنی شورش مردم و فروپاشی رژیم شود. این جناح سرمایه‌داری حامی سرسخت بقای نظام و از این طریق به دست آوردن قراردادهای چرب و نرم برای غارت ثروت‌های طبیعی ایران، استفاده از بازار مصرف‌گرای آن و نیز بهره‌بری از نیروی کار ارزان قیمت کشور می‌باشند. آنها ادغام اقتصاد ایران در سرمایه‌داری جهانی را در شرایط ضعف ایران می‌خواهند، چون می‌دانند از این طریق باج‌های بهتری خواهند گرفت.

بهبهانه‌های لازم برای جناح توسعه‌طلب اسرائیل در راستای پیشبرد طرح اسرائیل بزرگ را فراهم سازد. از این رو، هربار که فرصت آن پیش آمده تا جمهوری اسلامی - از درون با قدرت‌گیری نیروهای اصلاح‌طلب و یا از بیرون، با کمک بخشی از جامعه‌ی بین‌الملل - به رژیم «متعارف» تبدیل شود، اسرائیل این امر را بر خلاف منافع خود یافته و به شکل فعال در آن کارشکنی کرده است تا این گزینه را از میان ببرد.

امروز که شرایط سرمایه‌داری جهانی ایجاب می‌کند جنگ‌های متعدد کوچک یا یک جنگ بزرگ جهانی به راه بیافتد، بدیهی است که ایران یکی از مناسب‌ترین کشورها برای این سناریو نظامی‌گری باشد. سناریویی که سود آن از یک سو به جیب شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی جهان سرمایه‌داری خواهد رفت و از سوی دیگر، با تخریب کشورهای خاورمیانه، شرایط را برای اجرای طرح اسرائیل بزرگ فراهم خواهد ساخت.

نمونه‌ی بارز این سیاست سنگ‌اندازی اسرائیل را در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون و گرایش مادلن آلبرایت در وزارت خارجه‌ی آمریکا برای عادی‌سازی روابط با رژیم ایران دیدیم. و یا اشاره کنیم به تمام تلاشی که اسرائیل برای برهم زدن و یا اجرایی نشدن مذاکرات منجر به توافق برجام در دوران اوباما داشت. امروز که شرایط سرمایه‌داری جهانی ایجاب می‌کند جنگ‌های متعدد کوچک یا یک جنگ بزرگ جهانی به راه بیافتد، بدیهی است که ایران یکی از مناسب‌ترین کشورها برای این سناریو نظامی‌گری باشد. سناریویی که سود آن از یک سو به جیب شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی جهان سرمایه‌داری خواهد رفت و از سوی دیگر، با تخریب کشورهای خاورمیانه، شرایط را برای اجرای طرح اسرائیل بزرگ فراهم خواهد ساخت.

عملکرد بخش سنتی نظام جمهوری اسلامی به طور آشکاری در این سمت حرکت می‌کند. آنها می‌دانند که فضای پسابرجام فضای تغییرات ناگزیر است، به همین خاطر ترجیح خواهند داد که به عنوان آخرین تلاش در جهت حفظ موقعیت خود و از دست ندادن

ماهیت کنونی خود را ندارند. طرح‌های دو گانه‌ای در خاورمیانه در جریان است که به تناسب قدرت و برتری خود سرنوشت بخصوصی را برای رژیم ایران رقم خواهند زد. از یکسو طرح هئیت حاکمه ی کنونی آمریکا برای ایجاد ثبات در خاورمیانه با هدف تمرکز بر مثلث چین و روسیه و کره شمالی و از سوی دیگر، طرح نومحافظه‌کاران و لابی اسرائیل برای تبدیل خاورمیانه به یک میدان جنگ درازمدت برای تخریب کشورهای منطقه و هموار کردن راه برای تحقق طرح اسرائیل بزرگ. هر کدام از این دو می‌توانند موقعیت متفاوتی را برای آینده‌ی جمهوری اسلامی دامن بزنند. در طرح اول موضوع بر سر بیرون راندن ایران از خاورمیانه و جراحی آن در داخل مرزهای خود است، در طرح دوم، حفظ نقش جنگ‌افروز رژیم حتی به بهای جنگ یا فروپاشی نظام مورد نظر می‌باشد.

پرسش اصلی در آن است که، در حالی که تمامی کشورهای ذینفع در حال تطبیق منافع خود با تغییر شرایط در ایران هستند، اپوزیسیون ایرانی چه می‌کند؟ آیا قرار است همچنان به تصور رایج خود، که با از حد گذشتن فشارها بر روی رژیم فروپاشی خودبه‌خودی انجام خواهد شد، ادامه دهد؟ آیا زمان آن فرا نرسیده که اپوزیسیون دریابد شرایط هر چقدر هم بر رژیم تنگ شود تا زمانی که نیرویی عمل‌گرا قدرت را از دست او بیرون نیاورد همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد؟ همان گونه که در حال حاضر شاهدیم، رژیم با آگاهی بر این که به سوی فروپاشی می‌رود، تلاش دارد آن را مدیریت کرده و با به تأخیر انداختن آن

ادامه مطلب در صفحه ۸

**پرسش اصلی در آن است که، در حالی که تمامی کشورهای ذینفع در حال تطبیق منافع خود با تغییر شرایط در ایران هستند، اپوزیسیون ایرانی چه می‌کند؟ آیا قرار است همچنان به تصور رایج خود، که با از حد گذشتن فشارها بر روی رژیم فروپاشی خودبه‌خودی انجام خواهد شد، ادامه دهد؟**

**آیا زمان آن فرا نرسیده که اپوزیسیون دریابد شرایط هر چقدر هم بر رژیم تنگ شود تا زمانی که نیرویی عمل‌گرا قدرت را از دست او بیرون نیاورد همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد؟**

در صورتی که مثلث جدید قدرت (باند رفسنجانی، جریان اصلاح‌طلب و باند روحانی) بتواند عملکرد خود را در عرصه‌ی بیرون کشیدن اختیارات از دست مثلث سنتی قدرت (باند خامنه‌ای، سپاه و بازار) با موفقیت‌هایی توأم سازد و از خود قاطعیت در پیشروی نشان دهد، این بخش از سرمایه‌داری به یاری بیشتر او شتافته و به این ترتیب امکان استحاله‌ی دردناک اما سودآور را در درون نظام جمهوری اسلامی فراهم خواهند کرد. اهمیت این استحاله برای نظام در این است که دیگر نه به واسطه‌ی شورش و خشم مردم فرو می‌پاشد و نه از طریق جنگ به مرحله‌ی خطرناک و نهایی خویش می‌رسد، بلکه به یاری سرمایه‌های کلان غربی از این بحران‌های متعدد خویش به نحو موقت هم که شده جان سالم به در می‌برد و با برخی از تغییرات سخت اما ضروری در درون خویش، ماندگاری میانمدت خود را تضمین می‌کند. به عبارت دیگر، بخشی از نظام با ظاهری تازه، اما با حفظ کامل منطق بی‌رحم حاکم بر ساختار اجتماعی-اقتصادی کنونی، بر سر کار خواهد ماند و بهانه‌ی حمله به ایران نیز از دست بخش دیگر سرمایه‌داری در آمریکا و لابی اسرائیل پشت سر آن خارج خواهد شد.

ورود سرمایه‌های کلان امریکایی یا اروپایی نابرابری‌های موجود در ساختار طبقاتی جامعه‌ی ایرانی را هر چه عمیق‌تر خواهد کرد، اما در عین حال ادغام اقتصاد ایران در دل اقتصاد مصرف‌ساز سرمایه‌داری موجبات تقویت لایه‌های اجتماعی وفادار به سرمایه را فراهم کرده و آنها را بر موج میلیونی فقرا و غارت‌شدگان سوار خواهد کرد. این همان سناریویی است که می‌تواند از ایران یک ترکیه دیگر در عرصه‌ی اقتصادی و یک عربستان سعودی دیگر در حوزه‌ی سیاسی بسازد، ایران به یک متحد طبیعی غرب در منطقه‌ی حساس خلیج فارس تبدیل سازد و برای مقابله‌ی استراتژیک آمریکا با چین و روسیه، ایران را به یک پلاتفرم حمایتی تبدیل کند. امری که به دشواری قابل تصور است، اما ناممکن نیست.

### نقش اپوزیسیون:

سه سناریوی فوق نشان می‌دهد که سیر تحولات جهانی و منطقه‌ای در بیرون و روند رویدادها داخلی در فضای پسابرجام شرایط را برای تحول سیاسی در کشورمان فراهم کرده است. صحنه‌ی سیاست بین‌الملل بیش از پیش نشان از آن دارد که برخی گرایش‌ها میان قدرت‌های بزرگ جهانی دیگر تمایل به تحمل رژیم ایران با

**نتیجه‌گیری:**

در نبود یک استراتژی عمل‌گرا که محور خود را بر کسب قدرت سیاسی در ایران قرار داده باشد اپوزیسیون ایران هیچ دخالت مهمی در سه روند ذکر شده بالا یا حتی هر سناریوی جدید و یا واسطه‌ای دیگری که شکل گیرد نخواهد داشت.

در نبود اپوزیسیونی که در پی کسب قدرت باشد، جمهوری اسلامی قدرت را برای خود حفظ خواهد کرد، با جنگ یا بدون جنگ، با شورش یا بدون شورش. ترک قدرت توسط رژیم‌های دیکتاتوری در گرو وجود مدعی قدرت است، آن هم توسط نیرویی که برای خود تدارک واقعی لازم جهت کسب قدرت را دیده است. این تدارک شامل سه عنصر است: نیروی انسانی آموزش‌دیده که در خدمت آن تشکل باشد، امکانات مادی و مالی لازم برای هزینه کردن در چنین مسیری و در نهایت، پایگاه اجتماعی گسترده، به نحوی که بخشی از جامعه از این جایگزین مدعی قدرت حمایت عملی کند.

در حالی که فضای سرکوب در داخل کشور اجازه‌ی شکل‌گیری جایگزین مدعی قدرت را در میان فعالان اجتماعی و مدنی نمی‌دهد، این وظیفه بر دوش نیروهای سیاسی خارج از کشور است. اگر می‌خواهیم بدانیم که رژیم دچار کدامیک از سرنوشت‌های سه‌گانه‌ی بالا خواهد شد باید نگاه کنیم که بازیگران اصلی در صحنه کدام هستند. تا زمانی که معادله‌ی تعیین سرنوشت ایران به طور صرف در اختیار دولت‌های بیگانه‌ی ذینفع در ایران و خاورمیانه از یکسو و رژیم ضد ملی ایران از سوی دیگر است، هیچ برآیند مثبتی برای ملت ایران به دست نخواهد آمد. این تنها با ورود قدرتمندانه‌ی نیروهای سیاسی مخالف رژیم در خارج و پشتیبانی نیروهای اجتماعی کنشگر در داخل است که می‌توان به واسطه‌ی عمل‌گرایی هدفمند، برنامه‌ی سیاسی دقیق و واقع‌گرا معادله‌ی فوق را به سوی منافع مردم ایران تغییر داد. در غیر این صورت هیچ معجزه‌ای در کار نخواهد بود. ممکن است که بر اساس یکی از سه سناریو بالا، یا چیزی شبیه به این‌ها، نظام جمهوری اسلامی نابود یا استحاله شود، لیکن این به معنای نجات ایران نخواهد بود. اضمحلال حکومت فعلی زمانی می‌تواند به سود مردم ایران تمام شود که نماینده‌ی مورد قبول مردم، رژیم کنونی را جایگزین شود. در غیر این صورت، تجزیه و نابودی ایران و یا غارت ثروت‌های کشور توسط رژیم بزرگ و استحاله‌شده تنها امکان‌های موجود خواهد بود. تاریخ با هیچ کس تعارف ندارد. #

برای خود فرصت‌های جدیدی را یافته یا پدید آورد و به این ترتیب بقای خود را تضمین کند. هیچ رژیمی بدون وجود نیرویی که نقش عملی جایگزین را برای او بازی کند قدرت را واگذار نمی‌کند و در حال حاضر رژیم ایران نه از خارج تهدیدی به عنوان جایگزین دارد و نه در داخل با نیروی سازمان یافته‌ی خطرناک مواجه است. از این رو تا همین امروز با دست باز برای غارت و چپاول، سرکوب و اعدام و به فقر و اعتیاد کشاندن گسترده به روی گرده‌ی جامعه ایرانی یکه‌تازی می‌کند.

در چنین شرایطی یا اپوزیسیون در نقش سنتی خود، یعنی روایت‌گر جنایات و دزدی‌های رژیم، باقی می‌ماند و یا این که با تحلیلی مشخص از شرایط خاص کنونی اقدام به طراحی نقشه‌ی حرکت می‌کند. نقشه‌ای که در آن نیروهای مخالف رژیم به جای تماشاگر، بازیگر صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی ایران خواهند بود. واژه‌ی اپوزیسیون، به معنای جبهه‌ی مخالف جایگزین، تنها زمانی برای یک تشکل سیاسی معنا دارد که او را در مقام کنشگر در این راستا قرار دهد، نه در جایگاه منقد و ناظر. نقد و نظارت کار روشنفکران و یا جمعیت‌هایی است که خود را بر این اساس تشکیل داده‌اند، اما کار یک تشکل سیاسی یا حزب انتقاد و شکوه و افشاگری صرف نیست. سازمان سیاسی یا حزب برای کسب قدرت تشکیل می‌شود و اگر این هدف وجودی خویش را از یاد برد دچار قلب ماهیت شده و به یک جمعیت ناظر و منقد تبدیل می‌شود.

**کانال دیدگاه را در اپلیکیشن‌ها دنبال کنید:**



**didgahtv**



<http://telegram.me/didgahtv>



**001 - 818 - 448 - 2252**





## دمکراسی در ایران در گرو شهروندانی مدرن

رویای دمکراسی، واقعیت دمکراسی و ما ایرانیان - بخش دوم و آخر

بر اساس تحلیل ارائه شده در برنامه به سوی ایران آباد

در بخش نخست از این نوشتار، با تلاش بر دوری جستن از تصورهای رویایی و کلی گویی های رایج، نگاهی داشتیم به پدیده ی دمکراسی و اجزاء تشکیل دهنده ی آن، تا بدین وسیله بتوانیم شرایط تحقق دمکراسی در جامعه ی ایران را دریابیم. نوشتاری که این گونه به پایان می رسد:

"در سودای دمکراسی خواهی برای میهن مان، اگر واقع بین نباشیم، اگر ویژگی قانون گریز ایرانیان استبدادزده را فراموش کنیم، اگر به اهمیت سیستم سازی آگاه نشویم، اگر در قالب احزاب مدرن و دمکراتیک به یادگیری فن مدیریت نپردازیم، دمکراسی برای ما تا ابد در حد یک رویای دست نایافتنی باقی خواهد ماند."<sup>4</sup>

در ادامه ی مطلب، به چرایی ضرورت وجود احزاب سیاسی مدرن و قوی به عنوان شرط لازم برای ساختن دمکراسی در جامعه ی استبدادزده ی ایرانی خواهیم پرداخت. همزمان دلایلی چند از ضعف بزرگ تاریخی ایرانیان در زمینه ی ایجاد و یا تداوم بخشیدن به کار این احزاب را نیز بررسی خواهیم کرد. این آسیب شناسی از آن روی ضروری به نظر می رسد که تغییر وضعیتی نامطلوب هرگز با تکیه بر آن دستگاه فکری که خود زاده ی آن شرایط نامناسب است امکان پذیر نخواهد بود. دمکراسی پدیده ای نیست که از طریق عوامل خارجی بتواند به جامعه ی ایرانی تزریق شود، ایرانیان باید آن را بسازند، اما نه با توسل به تفکر و رفتاری که خود میراث استبدادزدگی آنهاست. برای برون رفت از این بن بست تاریخی، چاره ای نیست جز آن که با نگرشی نو و شایسته ی یک شهروند مدرن و امروزی به این مهم پردازیم.

### احزاب مدرن، گمشده ی بزرگ جامعه ی ایرانی:

استبداد و خفقان پدیده ای است که گریبان تمامی اعضای یک جامعه را در عرصه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی می گیرد، از این رو، رهایی از آن، نه به شکل فردی، بلکه تنها با تلاشی جمعی و سازمان یافته میسر خواهد شد. در مبارزات عدالت جویانه و آزادی خواهانه ی ایرانیان، همواره ضرورت بنیان گذاری احزاب سیاسی، به عنوان پیش شرطی لازم از سوی بخشی آگاه از جامعه درک و در سده ی اخیر تلاش ها و شوربختانه شکست های بیشماری در این زمینه تجربه شده است. در نبود پژوهش های بی طرفانه، دقیق و علمی تاریخ مبارزاتی کشورمان، آسیب شناسی این تجربیات تنها با تکیه بر دانش و علوم سیاسی امکان پذیر خواهد بود.

در این راستا با تکیه بر تعریفی که آلن ویر، دانشمند علوم سیاسی در کتاب خود<sup>5</sup> از مفهوم حزب سیاسی ارائه داده است، ما تعریف زیر را به عنوان یک تعریف دقیق و کاربردی از پدیده ی حزب ارائه می دهیم:

**حزب سیاسی (مدرن)، نظام یا سازمانی است که بر مبنای سلسله مراتب و تقسیم کار مشخص و با تکیه بر مبنای نظری و ایده های زیر ساختی راهنما، با رعایت ضوابط و اصول حرفه ای حاکم بر کار مشترک اعضا و اجزاء خویش، مراحل گوناگون پیش بینی شده در نقشه ی راه خود را دنبال می کند تا از قدرت سیاسی سهم بگیرد.**

بر مبنای این تعریف، پدیده ی حزب سیاسی به شکل مدرن آن تنها زمانی معنا می یابد که به عنوان یک مجموعه دارای شاخص های پایه ای زیر باشد:

ادامه مطلب در صفحه ۱۰

4 "دمکراسی: آزادی قانون مند" در شماره یک نشریه خوبرهاگر

5 Alan Ware: Political Parties and Party Systems

شکست این تشکل‌ها، نه در اختلافات نظری اعضای آن، بلکه در مشکلاتی بوده که اینان در تشکیل الگوهای مشترک رفتار جمعی و درون‌تشکیلاتی از خود نشان داده‌اند. دلیل این امر را می‌توان در دشواری‌های فرهنگی و رفتاری جست که انسان استبدادزده‌ی ایرانی در درک اهمیت شاخص‌های لازم در کار جمعی سیاسی دارد، امری که سبب شده حتی در صورت درک ضرورت این شاخص‌ها در اجرایی کردن آنها با مشکل برخورد کند:

#### دشواری در پذیرفتن نظام مبتنی بر سلسله مراتب و تقسیم کار مشخص:

در دل این شاخص کار سیاسی، به نوبه‌ی خود چهار مفهوم نظم، سازماندهی، سلسله مراتب و تقسیم کار نهفته است. استبدادزدگی تاریخی ایرانیان سبب شده چنانچه زور و فشاری از جانب یک عامل خارجی اعمال نشود به شلختگی و بی‌نظمی روی آورد. گرایش غالب انسان ایرانی به نظم‌شکنی و انضباط‌گریزی، در درون یک حزب سیاسی، جایی که اعضا به شکل داوطلبانه به کار جمعی می‌پردازند، همواره مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده است. ناتوانی ما ایرانیان در کار جمعی و تمایل زیاد ما به تک‌تازی نیز ناشی از تلاشی است که در طی هزاره‌ها حکومت‌های استبدادی در تفرقه‌اندازی بین مردم در کشور ما به خرج دادند تا مبادا قدرت اجتماعی شکل گیرد و برایشان خطر ساز شود. عدم توانایی در سازماندهی و انجام کار جمعی، همواره نقطه ضعف بزرگی در فعالیت‌های سیاسی ما بوده است.

#### • نظامی مبتنی بر سلسله مراتب و تقسیم کار مشخص

#### • مبانی نظری و ایده‌های زیر ساختی راهنما

#### • ضوابط و اصول حرفه‌ای حاکم بر کار مشترک اعضا و اجزاء خود

#### • یک نقشه‌ی راه شامل مراحل مقطعی مختلف

#### • تلاش و برنامه‌ریزی برای سهم‌گیری از قدرت

در بازنگری چرایی ناکامی احزاب ایرانی پرسش عمده اینجاست: آیا کنشگران ما توانسته‌اند شناختی از شاخص‌های فعالیت حرفه‌ای و تعریف شده‌ی سیاسی داشته باشند و آن‌ها را در تجربیات خود به کار گیرند؟ و اگر نه، دلایل این امر چه بوده است؟ به تعریفی دیگر از آلن ویر تکیه می‌کنیم:

#### احزاب گروه‌بندی‌های مردمی با باورها، رفتارها و ارزش‌های مشابه است.<sup>6</sup>

چنانچه بخواهیم نگرشی دور از تعصب به دلایل ناکارآمدی و یا شکست بسیاری از احزاب و سازمان‌های سیاسی ایرانی داشته باشیم، در می‌یابیم که در بسیاری از آنها تکیه‌ی رهبری تنها بر باور اعضا به ایده‌های زیرساختی آن تشکل بوده است، بدون آن که در روابط تشکیلاتی توجهی به نقاط اشتراک در رفتارها و ارزش‌ها شده باشد. با وجود فداکاری‌ها و ازجان‌گذشتگی‌های بی‌نظیر هموطنانی که در دهه‌های گذشته رده‌های مختلف به سازمان‌ها و احزاب سیاسی ایرانی جان بخشیدند، در بسیاری از موارد، رد پای

ادامه مطلب در صفحه ۱۱

با وجود فداکاری‌ها و ازجان‌گذشتگی‌های بی‌نظیر هموطنانی که در دهه‌های گذشته رده‌های مختلف به سازمان‌ها و احزاب سیاسی ایرانی جان بخشیدند، در بسیاری از موارد، رد پای شکست این تشکل‌ها، نه در اختلافات نظری اعضای آن، بلکه در مشکلاتی بوده که اینان در تشکیل الگوهای مشترک رفتار جمعی و درون‌تشکیلاتی از خود نشان داده‌اند. دلیل این امر را می‌توان در دشواری‌های فرهنگی و رفتاری جست که انسان استبدادزده‌ی ایرانی در درک اهمیت شاخص‌های لازم در کار جمعی سیاسی دارد، امری که سبب شده حتی در صورت درک ضرورت این شاخص‌ها در اجرایی کردن آنها با مشکل برخورد کند.



<sup>6</sup>Parties are grouping of people with similar beliefs, attitudes and values

دمکراسی در ایران در گرو شهروندانی مدرن

به همان دلایلی که برای نظم‌گریزی ما ایرانیان بیان شد، با رعایت داوطلبانه‌ی سلسله مراتب، که لازمه هر تشکل سیاسی است، مشکل داریم. اکثر ما به شکل تاریخی آموخته ایم کاری را نپذیریم و اجرا نکنیم مگر آن که با زبان زور بیان شود. پذیرش داوطلبانه‌ی انضباط و اطاعت برای ما بسیار سخت جلوه می‌کند. فقدان گرایش‌های رفتاری مناسب برای یک کار جمعی سبب شده بسیاری از ایرانیان به هنگام تقسیم کار در یک تشکل سیاسی قادر به انجام آن بر اساس اصول و ضوابط تعیین شده نباشند و به همین دلیل از زیر کار شانه خالی کنند. تمایل ایرانیان به کار انفرادی به دلیل آن است که فرد نیاز به همکاری با کسی یا پیروی از فردی دیگر را حس نمی‌کند. حال آن که ذات کار تشکیلاتی جمعی و گروهی است. به همین خاطر جمع کردن تعدادی از ایرانیان که بتوانند آگاهانه و بدون مشکل به کار تیمی بپردازند بسیار دشوار می‌نماید. این رفتار تک‌روانه از ما موجوداتی پراکنده ساخته که از یک سو رهایی‌شان در گرو با هم بودن شان است و از سوی دیگر برای با هم بودن و با یکدیگر همکاری کردن دچار مشکلات عدیده‌ی رفتاری می‌باشند.

تمایل ایرانیان به کار انفرادی به دلیل آن است که فرد نیاز به همکاری با کسی یا پیروی از فردی دیگر را حس نمی‌کند. حال آن که ذات کار تشکیلاتی جمعی و گروهی است. به همین خاطر جمع کردن تعدادی از ایرانیان که بتوانند آگاهانه و بدون مشکل به کار تیمی بپردازند بسیار دشوار می‌نماید. این رفتار تک‌روانه از ما موجوداتی پراکنده ساخته که از یک سو رهایی‌شان در گرو با هم بودن شان است و از سوی دیگر برای با هم بودن و با یکدیگر همکاری کردن دچار مشکلات عدیده‌ی رفتاری می‌باشند.

با به کارگیری سطحی و نادقیق مفاهیم پایه‌ای، ارزش آن‌ها را گاه تا حد ابتذال پایین می‌کشند.

#### دشواری در پذیرفتن ضوابط و اصول حرفه‌ای حاکم بر کار مشترک اعضا و اجزاء خود:

ضابطه‌گریزی تاریخی جامعه‌ی استبدادزده‌ی ایرانی اثرات سوء خود را در نحوه‌ی فعالیت‌های سیاسی آن نیز گذاشته است. در نبود یک تصور کلی از رابطه‌ی ارگانیکی که باید بین اجزای مجموعه وجود داشته باشد، ایرانیان اهمیت پیروی از انضباط حزبی و ضوابط درون تشکیلاتی را درنیافته و تمایل زیادی به ابداع اصول من‌درآوردی در انجام وظایف خود دارند. این درحالیست که نقطه‌ی قوت یک حزب در به کارگیری به موقع و به جای نیروهای خود بر اساس تقسیم وظایف کار حرفه‌ایست و در نبود آن حزب به نهادی ناکارآمد تبدیل خواهد شد. موضوع ضابطه‌گریزی ایرانیان بسیاری از آنها را به ترجیح رابطه‌گرایی می‌کشاند، به نحوی که حاضرند منافع مشترک جمعی را به میزان بالایی فدای منافع خاص فردی خود کنند. این رابطه‌گرایی بسیاری از علاقمندان به کار سیاسی را در دل تشکل‌های مختلف تا مرز ضابطه‌ستیزی به پیش می‌راند. آنها با ضوابط دشمنی کرده و یا اعتبار آنها را به چالش می‌کشند و پیشنهاد می‌دهند که کارها بر پاشنه‌ی روابط و دوستی و رفاقت و آشنایی بچرخد و نه ضوابط و مقررات و آیین‌نامه.

#### دشواری در درک مبانی نظری و ایده‌های زیر ساختی راهنما:

علیرغم وجود اندیشمندان و فیلسوفان بزرگی که جامعه‌ی ایرانی در طول تاریخ به بشریت اهدا کرده، از زمان تحمیل تفکر خشک اسلامی، کشور ما دچار فقر فلسفی عمیقی شده است. دیرسالی ست کاری تحقیقی یا نظری که زاینده‌ی اندیشه‌ی نو و بنیادین از جانب ایرانیان باشد دیده نشده است. علاوه بر آن، نادرستی و ضعف نظام تحصیلی و تربیتی در ایران سبب شده انسان ایرانی به شکل عمده فاقد آن درک انتزاعی باشد که به وی امکان دریافتن پیچیدگی روابط بین مفاهیم نظری را بدهد. نقطه ضعفی که شوربختانه خود را در فعالیت سیاسی ایرانیان نیز به وضوح نشان می‌دهد. به دلیل عدم توانایی در تولید فکر، بدنه‌ی بیشتر احزاب ایرانی در طی دهه‌های اخیر تنها به انجام کارهای عملی و شرکت در آکسیون‌ها قانع بوده و کار تفکر را به اتاق فکر، رهبر یا تعداد محدود کادر رهبری سپرده اند. از سویی، عدم درک نسبیّت ایده‌ها و خصوصیت مطلق‌گرایی ایرانیان سبب شده همواره، به واسطه‌ی اختلاف نظر بر سر یک جزء، کل مبانی فکری یک تشکل را زیر سؤال برده و پایبند تداوم در کار سیاسی خود نباشند. به همین دلیل نیز ایرانیان جنبه‌ی کاربردی ایده‌های زیرساختی و نقش راهنمای آنها برای یک تشکل سیاسی را کمتر مورد توجه خود قرار داده و

## دشواری در ارائه‌ی یک نقشه‌ی راه شامل مراحل و جزئیات لازم:

اعتبار نقشه‌ی راه یا استراتژی یک حزب سیاسی به وجود عناصر زیر وابسته است: لازم است این نقشه‌ی راه به اندازه‌ی کافی به واقعیات جامعه‌ی ما توجه کرده باشد که اجرای آن در حد یک رویای دست‌نیافتنی باقی نماند. به همین دلیل، نیاز به ارائه‌ی مراحل کاری و جزئیات کارشناسانه‌ی متعدد دارد که یکی پس از دیگری در دستور کار آن تشکل قرار می‌گیرد. همچنین یک حزب سیاسی نیاز دارد به شکل پیوسته، میزان کارآمدی تاکتیک‌های مقطعی خود را بازنگری کند، بدون آن که از مسیر اصلی که در نقشه‌ی راهش ترسیم شده دوری جوید. این در حالیست که تاریخ نشان داده بسیاری از احزاب سیاسی ما در ارائه‌ی استراتژی کاری خود، بدون توجه به جزئیات و مراحل کار، در حد کلی‌گویی باقی مانده‌اند. و یا برخی دیگر، به دور از عنصر واقع‌گرایی و با اعمال تعصب شدید در به کارگیری تاکتیک‌های مقطعی از پیش تعیین‌شده، در بزنگاه‌های تاریخی، از خود انعطاف لازم را به خرج نداده‌اند. امری که سبب شده با عدم موفقیت تاکتیکی‌شان، از پیاده کردن مرحله به مرحله‌ی استراتژی خود بازمانند.

در بسیاری از تشکل‌های تعصب‌گرا، هر گونه انعطاف تاکتیکی معادل عقب‌نشینی استراتژیک قلمداد شده و این گونه احساس می‌شود که در حال خیانت به آرمان‌های خود هستند. این در حالیست که در این گونه موارد ترکیب یک عقلانیت سیاسی به همراه اخلاق‌مداری انسانی با هم در تضاد مکانیکی قرار نمی‌گیرند. می‌توان با در نظر گرفتن هر دو، تغییرات لازم در تاکتیک‌ها را منظور داشت تا بتوان خط استراتژیک را تغییر نداد. با این وجود فراوان بوده‌اند سازمان‌های سیاسی ایرانی که به دلیل انجماد تاکتیکی خود و ادار به دگرگون‌سازی‌های ماهوی در استراتژی خود شده‌اند.

**دشواری در تلاش و برنامه‌ریزی برای سهم‌گیری از قدرت:**  
از دیگر دلایل ضعف مبارزات سیاسی ایرانیان، فقدان برآوردی واقع‌گرایانه و عینی از جایگاه خود بوده است. توهم‌گرایی بسیاری از احزاب و سازمان‌های ما از میزان واقعی قدرت‌شان و عدم تمایل آنها به مشارکت با نیروهای دیگر حاضر در صحنه نشان از عدم آشنایی عمیق ما با مفهوم دمکراسی را دارد. استقرار دمکراسی در فردای ایران با تعدد آراء در صفوف مبارزین

امروزی است که شکل می‌گیرد. چرا که اگر این تشکل‌ها به سهمی از قدرت راضی نبوده و خواهان تمامی آن باشند، حاصلی جز استقرار یک نظامی استبدادی از نوع جدید نصیب ما نخواهد شد. برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته لازم است دریابیم دمکراسی مدیریت عقلانی اختلاف‌هاست و نه نبود اختلاف.

## نتیجه‌گیری:

خیالبافی کافیست! وقت آن است که بپذیریم دمکراسی برای ما ایرانیان، تا زمانی که به بلوغ تاریخی خود دست نیابیم، در حد یک رویا باقی خواهد ماند و پس از پایان رژیم کنونی، بی شک، انواع جدیدی از استبداد را یکی پس از دیگری تجربه خواهیم کرد. دمکراسی تنها با وجود و به وسیله‌ی احزاب مدرن ساخته می‌شود، احزابی که تنها به واسطه‌ی حضور و تلاش حرفه‌ای انسان‌های مسئولیت‌پذیر شکل خواهند گرفت. و تا زمانی که همین انسان‌های مسئولیت‌پذیر موانع رفتاری خود در انجام موفقیت‌آمیز کار سیاسی تشکیلاتی و جمعی را برطرف نکنند، قادر به ساختن احزاب مدرن نخواهند بود؛ موانعی که، چه خوش بداریم یا خیر، به دلیل استبدادزدگی تاریخی جامعه ایرانی در رفتار تمامی ما کمابیش وجود دارد. لازمه‌ی ساختن دمکراسی در ایران وجود احزابیست که نهادینه باشند، به شکل حرفه‌ای و امروزی عمل کرده و مشکلات این راه طولانی را به درستی مدیریت کنند. در یک کلام، دمکراسی در ایران در گرو وجود احزاب مدرن است و وجود احزاب مدرن در گرو وجود شهروندان ایرانی مدرن، شهروندانی با رفتار مناسب برای کار منظم و سازمان‌یافته‌ی تشکیلاتی. #



**حزب ایران آباد**  
تشکلی حرفه‌ای  
برای تولید سیاست  
اخلاق‌مدار و عقل‌گرا  
و بازتولید اجتماعی  
آن در جامعه.  
[www.iraneabad.org](http://www.iraneabad.org)

## حزب شناسی - نوشتار نخست

## رابطه ی حزب سیاسی و مردم



بر اساس تحلیل ارائه شده در برنامه ی به سوی ایران آباد

سازمان یافته، در قالب تشکل های شهروندی مدرن و دمکراتیک، قابل احیا خواهد بود؛ این افراد البته هنوز ناشیانه، به آهستگی و با احتیاط بسیار در این راه قدم می گذارند. در یک کلام، جامعه ی ایرانی ضرورت کار حزبی برای ادامه ی حیات خویش را تاکنون به درستی درنیافته و با فرهنگ حزب به شکل پایه ای بیگانه است. این بیگانگی چه بسا سبب ندانم کاری ها و کژفهمی ها در صفوف اندک کنشگران سیاسی هم بشود. از این رو، نگاه به بیشمار جنبه های نظری و عملی کار حزبی، خواهد توانست زمینه ی لازم برای علاقمندی آن بخش از هموطنان مسئولیت پذیر و آگاهان را که به ضرورت حزب برای ایجاد تغییرات بنیادین در ایران پی برده اند فراهم سازد. آنان که در این برهه ی حساس تاریخ نمی پذیرند بی عمل و منفعل به تماشای سقوط ایران بنشینند.

این نوشتار، پس از ارائه ی تعریفی مشخص از مفهوم حزب سیاسی، به نوع پیوستگی و رابطه ای که با مردم برقرار می کند خواهد پرداخت.

## تعریف حزب سیاسی:

سخن را با یک تعریف آغاز می کنیم:

**حزب سیاسی تشکلی است که براساس پایه های فکری مشخص و قواعد درونی خود یک برنامه ی سیاسی را دنبال می کند تا از قدرت سیاسی سهم بگیرد.**

بر مبنای این تعریف کوتاه و گویا دست کم چهار شاخص برای حزب سیاسی در نظر گرفته می شود:

## 1. تشکل سیاسی:

برای آن که یک حزب سیاسی بتواند در راستای پیاده کردن برنامه ی سیاسی خود عمل کند، می بایست با تکیه بر اساسنامه ی خود بین اعضاء تشکلی از سلسله مراتب را در نظر گیرد تا بر مبنای آن

جامعه ی ایرانی شناخت بسیار کم و ناقصی از پدیده ی تحزب دارد. تشکل های سیاسی مستقل در کشور ما، هم در رژیم گذشته و هم در نظام کنونی، به جز در برهه های کوتاهی از تاریخ تحمل نشده و همواره از راه های مختلف سرکوب گشته اند. عمده احزاب و سازمان های سیاسی ایرانی در دهه های اخیر به شکل مخفیانه بنیان گذاشته شده، در خفا فعالیت کرده اند و در نهایت با کوچ به کشوری دیگر، اغلب با دیدی به دور از واقع گرایی نسبت به جامعه ی ایرانی به کار خود ادامه داده اند، و برخی همچون حزب نوپای ایران آباد از همان ابتدا در خارج از کشور شکل گرفته اند. هر دو رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی تلاش بسیار کرده اند تا بدنه ی جامعه ایرانی سیاست هراس، سیاست زده و سیاست گریز تربیت شود تا به شکل داوطلبانه از حق انتخاب خود در بسیاری از عرصه های زندگی فردی و تقریباً تمامی جنبه های زندگی اجتماعی دست بشوید. دستگاه های اطلاعاتی هر دو رژیم به شکل سیستماتیک تلاش کرده اند اعتماد مردم نسبت به تشکل های سیاسی موجود را خدشه دار کنند. سازمان های اطلاعاتی جمهوری اسلامی از همان ابتدای قدرت گیری این رژیم، با روش های بسیار پیچیده و مخرب، حس بدبینی نسبت جریان های سیاسی را در جامعه ایجاد کردند؛ امری که ندانم کاری ها، کاستی ها و خیانت های برخی از احزاب، سازمان ها و شخصیت های سیاسی ایرانی به شکل جدی به آن دامن زد. ناتوانی کنشگران ایرانی در پرداختن به کار سیاسی به شکل تخصصی و حرفه ای منجر به کارنامه ی ضعیفی نزد اپوزیسیون ایرانی در دهه های اخیر شده، امری که سیاست گریزی مزمن و تاریخی ایرانیان را به مراتب دامن زده است.

تجربیات پرمسئله، پراکنده و دردناک از کنشگری سیاسی برای شمار بسیار بالایی از ایرانیان سبب شده حتی اگر سرخورده از کار سیاسی نباشند، درک عمیقی از ضرورت ورود به صحنه ی سیاست برای دفاع از حقوق انسانی خویش نداشته باشند. هرچند که به نظر می رسد در برابر فشار کمرشکن معضلات و بحران های روزافزون، به مرور بخش کوچکی از هموطنان ما به این آگاهی می رسند که حقوق پایمال شده شان جز از طریق کار جمعی و

تقسیم کار حرفه ای تعریف شده در درون آن تشکیلات به انجام وظایف خود می پردازند، امکان پذیر نخواهد بود.

## 2. پایه های فکری:

هر حزب سیاسی اساس کار خود را به روی مبانی نظری و ایده های پایه ای، تنظیم شده در متنی به نام **مرامنامه** بنا می نهد. این پایه های فکری که در برخی تشکل های سیاسی از آن به عنوان ایدئولوژی و یا مکتب فکری یاد می کنند، هویت محتوایی آن حزب را معین می کند و راهنمای فکری و زیرساختی تشکیلات برای مشخص کردن سمت و سوی کار حزبی است. مطالعه و دریافتن هویت یک حزب (مرامنامه) پیش از پیوستن به آن ضروری است چرا که با عضویت در یک حزب خود را به شکل داوطلبانه وارد روندی می کنیم که در آن، همه ی کارها بر اساس این پایه های فکری پیش خواهد رفت.

## 3. قواعد داخلی:

انجام موفقیت آمیز هر شکل از کار جمعی نیازمند به توافق بر سر اصولی است بین دست اندرکاران بر سر نحوه ی پیشبرد آن کار جمعی که به آن تعلق دارند. بر همین منوال، یک تشکل سیاسی نیز برای پیشبرد نقشه ی راه خویش نیاز به مشخص کردن ضوابط و اصولی حرفه ای دارد تا بر اساس آن، چگونگی انجام کار مشترک میان بخش ها و اعضای حزب تعریف و تعیین شده باشد. پس از آن که یک حزب سیاسی اجزای تشکیل دهنده و شکل سلسله مراتب را در اساسنامه ی خود تعیین کرد، نیاز خواهد داشت آئین نامه اش را برای کاربرد درون تشکیلاتی تعریف کند. آیین نامه شامل مجموعه ی قواعد حاکم بر کار مشترک خواهد بود. این

ادامه مطلب در صفحه ۱۵

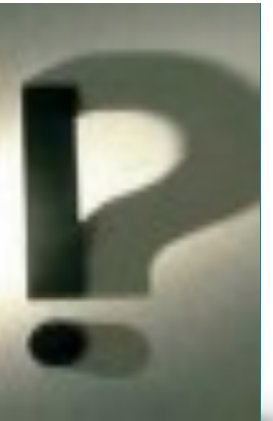
تقسیم کار انجام شود. جدا از نگاهی که هر تشکل سیاسی به نوع **سلسله مراتب و تقسیم کار** در درون خود داشته باشد، برای پیشبرد اهداف خود به هر دوی این عناصر نیاز خواهد داشت، که می توان آنها را به شکل زیر تعریف کرد:

- **سلسله مراتب 7:** نظام یا سازمانی که در آن افراد یا تیم ها بر اساس جایگاه و یا بر مبنای اختیارات به شکل عمودی رتبه بندی می شوند.

- **تقسیم کار 8:** فرایندی از تولید نتایج مادی و یا غیر مادی است که در آن به هر کارورز کار مشخصی سپرده می شود تا با انجام تخصصی آن بهره وری کار افزایش یابد. در مورد حزب، منظور تولید غیرمادی و یا بدست آوردن نتیجه ای مشخص است که عبارت است از کسب سهم از قدرت سیاسی.

تجربه نشان داده ایرانیان سلسله مراتب اجباری را به هنگام اشتغال در یک نهاد جهت کسب درآمد و یا در حین خدمت سربازی به آسانی می فهمند و رعایت می کنند، اما زمانی که داوطلبانه به عضویت یک سازمان سیاسی درمی آیند به دشواری زیر بار سلسله مراتب تشکیلاتی می روند و درک دقیقی از ضرورت آن نشان نمی دهند. از سویی دیگر، ناآشنایی فراگیر با فرهنگ تحزب سبب شده بسیاری از هموطنان ما به اشتباه تصور کنند حزب محفلی است برای بحث و گفتگو درباره ی تحولات سیاسی؛ در حالی که کار یک حزب، پیش از هر چیز، پیشبرد و پیاده کردن مرحله به مرحله ی برنامه ی سیاسی خود است تا بتواند هر چه بیشتر تقویت و تثبیت شده، بر پایگاه اجتماعی خود بیافزاید و در نهایت موفق شود سهم هر چه بیشتری را از قدرت بگیرد. این ماموریت مهم با سخنگویی و بحث های محفلی پیش نمی رود و بدون تلاش و کار بی وقفه ی اعضای مصمم و کوشا، که بر اساس

ناآشنایی فراگیر با فرهنگ تحزب سبب شده بسیاری از هموطنان ما به اشتباه تصور کنند حزب محفلی است برای بحث و گفتگو درباره ی تحولات سیاسی؛ در حالی که کار یک حزب، پیش از هر چیز، پیشبرد و پیاده کردن مرحله به مرحله ی برنامه ی سیاسی خود است تا بتواند هر چه بیشتر تقویت و تثبیت شده، بر پایگاه اجتماعی خود بیافزاید و در نهایت موفق شود سهم هر چه بیشتری را از قدرت بگیرد. این ماموریت مهم با سخنگویی و بحث های محفلی پیش نمی رود و بدون تلاش و کار بی وقفه ی اعضای مصمم و کوشا، که بر اساس تقسیم کار حرفه ای تعریف شده در درون آن تشکیلات به انجام وظایف خود می پردازند، امکان پذیر نخواهد بود.



7. Hierarchy: a system or organization in which people or groups are ranked one above the other according to status or authority

8. Labor division: a production process in which a worker or group of workers is assigned a specialized task in order to increase efficiency

با تکیه بر تعاریف داده شده، هر نهاد ایرانی مدعی "سیاست ورزی" در میان ایرانیان باید به عنوان یک ضرورت ذاتی، دارای چهار شاخص ذکر شده در بالا باشد تا بتوان از آن به عنوان یک «حزب سیاسی» یاد کرد.

### چگونگی رابطه ی مردم با احزاب سیاسی:

در بخش پیشین تلاش شد آنچه در درون یک حزب سیاسی می‌گذرد را تعریف کنیم. لازم است توجه داشته باشیم که حزب سیاسی یک نهاد خصوصی محسوب می‌شود. این بدان معنی است که حزب، با وجود در تماس بودن با مردم و جامعه از یک سو و با حاکمیت از سوی دیگر، به عنوان یک نهاد مستقل عمل می‌کند. یعنی حزب یک نهاد عمومی که هر کس بتواند با یا بدون عضویت در آن سهم و نقش داشته باشد نیست. حزب متعلق به اعضای آن است.

بر همین اساس رابطه ی اعضای یک جامعه با این نهاد مستقل بر دو حالت تعریف خواهد شد: یا افراد در آن عضویت دارند و اعضای درون نهادی محسوب می‌شوند و یا به آن تشکل تعلق ندارند و برون نهادی محسوب می‌شوند. زمانی که یک حزب سیاسی مورد استقبال قرار گرفته و برخوردار از پایگاه اجتماعی می‌شود، روابط خود با علاقمندان را در یکی از سه لایه ی هوادار، پشتیبان یا عضو تنظیم خواهد کرد. از این سه طیف تنها افرادی خواهند توانست در روند کاری و تصمیم‌گیری آن حزب تأثیرگذار باشند که درون آن تشکل و به عنوان «عضو» قرار گرفته باشند. به کلامی دیگر، هواداران یا پشتیبانان یک حزب هرچند از دور یا نزدیک به روند کاری آن تشکل علاقه نشان داده و از آن حمایت می‌کنند، تا زمانی که درخواست عضویت نداده، با طی مراحل آموزشی و کار عملی لازم به عضویت در آن تشکل پذیرفته نشده و درون آن به طور رسمی شروع به فعالیت نکرده باشند، افرادی برون نهادی محسوب خواهند شد.

عضویت در یک حزب که با خواندن و درک مرامنامه، اساسنامه، برنامه ی سیاسی همراه است، به معنای پذیرفتن مبانی فکری، نحوه ی تقسیم کار، قواعد و ضوابط حاکم بر آن نهاد در شکل کلی آن است. این امر هرچند از جانب فرد به شکل داوطلبانه انجام می‌شود ولی در عین حال الزام آور است و پایبندی به آن در صورت عضویت در حزب ضروری می‌باشد. بر همین اساس، عضو یک تشکل سیاسی - به عنوان فردی درون نهادی - در

ضوابط باید به نحوی تعریف شده باشند که با رشد کمی حزب و افزایش تعداد اعضاء همچنان کارآمد باقی بمانند.

پیوستن داوطلبانه به یک تشکیلات سیاسی، عضو را مقید به پیروی از مقررات داخلی حاکم بر آن می‌کند و چنانچه در این امر کوتاهی کند، بسته به نوع تخلف انجام شده، تشکیلات موظف است با توسل به تذکر، اخطار و یا اخراج با آن برخورد کند. در اینجا نیز عدم آشنایی ایرانیان با پدیده ی تحزب سبب شده در بسیاری موارد، کنشگران سیاسی اعمال دقیق ضوابط تشکیلاتی را "بی رحمانه" قلمداد کرده و دشواری بسیاری در پذیرفتن و رعایت آن داشته باشند. این در حالی است که وجود این ضوابط - که ضامن کارآمدی آن تشکل است - از یک سو وظائف و از سوی دیگر حقوق هر عضو را تعریف، تعیین و مشخص می‌کند. از جمله حقوق اعضاء در یک حزب مدرن و دمکراتیک استفاده از حق پیشنهاد و انتقاد برای بهبود بخشیدن و یا تغییر بخشی از قواعد داخلی است. این مشروط به باقی ماندن در درون تشکل و همزمان با ادامه ی همکاری با آن تلاش برای بهبود بخشیدن به کارها و قواعد می‌باشد. از جمله حقوق دیگر عضو، حق استعفا و ترک حزب است در صورتی که این اختلاف نظر برای عضو غیر قابل تحمل شود.<sup>9</sup>

#### 4. استراتژی کسب قدرت:

هر حزب سیاسی تلاش برای دستیابی به اهدافش را بر اساس برنامه ی سیاسی خود به پیش می‌برد. برنامه ی سیاسی عبارت است از نقشه ی راهی که در آن، حزب ترسیم می‌کند با عبور از چه مراحل مختلفی می‌خواهد سهمی از قدرت سیاسی حاکم را به دست آورد.

با توجه به چهار شاخص، به عنوان شرط لازم برای هر حزب سیاسی، می‌توان مفهوم این پدیده را به شکل زیر تدقیق نمود:

**حزب سیاسی، نظام یا سازمانی است که بر مبنای سلسله مراتب و تقسیم کار مشخص و با تکیه بر مبانی نظری و ایده های زیر ساختی راهنما، با رعایت ضوابط و اصول حرفه ای حاکم بر کار مشترک اعضا و اجزاء و قواعد درونی خود، نقشه راه و مراحل مختلف برنامه ی سیاسی اش را دنبال می کند تا از قدرت سیاسی سهم بگیرد.**

<sup>9</sup> طنز موضوع در این است که عدم درک این فلسفه ی ابتدایی سبب شده است که در تشکل های سیاسی ایرانی فردی که با تشکیلات اختلاف نظر غیر قابل حل پیدا کرده به جای ترک حزب از تشکیلات خواسته است خود را منحل کرده و یا به طور اساسی تغییر دهد تا فرد او راضی شود.

رابطه ی حزب سیاسی و مردم

صورت عدم توافق با بخشی از قواعد، اصول و یا تاکتیک های اتخاذ شده در اجرای نقشه ی راه آن، می تواند از حق پیشنهاد و انتقاد خود بهره گرفته و برای تغییر آنها بر اساس مکانیزم های پیش بینی شده عمل کند. بسیاری از درک این امر بدهی عاجزند که زمانی حق آن را خواهند داشت درباره ی نحوه ی عملکرد یک حزب سیاسی اظهار نظر کنند که در درون آن قرار گرفته باشند. به مصداق هواداران یک تیم ورزشی که بجز تشویق، حق هیچ اظهار نظر لازم الاجرا و یا تصمیم گیری درباره ی روند کاری آن تیم را نخواهند داشت.

### نتیجه گیری:

حزب یک تمامیت دارای پایه های فکری، چارچوب های تشکیلاتی، برنامه ی کاری و قواعد درونی است. این تمامیت متعلق به افرادی است که به عنوان عضو در آن مشغول فعالیت هستند. اعضاء فعالیت حزب را به پیش می برند، مدیریت می کنند، تغییرات لازم را به وجود می آورند و هر آن چه لازم است را پیاده می کنند. حزب متعلق به اعضایش است. حزب می تواند در خدمت جامعه و مردم باشد، اما جامعه و مردم صاحب حزب نیستند. این تنها اعضاء هستند که حق دارند در مورد حزب تصمیم گیری کنند. در یک کلام، حزب در اختیار کسانی است که به عنوان عضو با پذیرش پایه های فکری آن، در چارچوب تشکیلاتی آن، در مسیر اجرای برنامه ی کاری آن و بر اساس قواعد درونی آن به فعالیت در درون حزب مشغول هستند. #



مونترال - کانادا - روز جهانی کارگر - اول ماه مه ۲۰۱۶



اوپسالا - سوئد - روز جهانی کارگر - اول ماه مه ۲۰۱۶

### شرکت فعالان حزب ایران آباد در اکسیون های سیاسی



استکهلم - سوئد - اکسیون اعتراضی به سفر جواد ظریف به سوئد - ۲۸ مه ۲۰۱۶



### عضویت در حزب ایران آباد

حزب ایران آباد یک تشکل شهروندی است که برای دگرگونی بنیادین کشورمان فعالیت می کند. به این حزب بپیوندید و در کار منظم و سازمان یافته ی سیاسی شرکت داشته باشید. برای آشنایی بیشتر با حزب و عضویت در حزب ایران آباد به وبسایت زیر مراجعه کرده و فرم عضویت را تکمیل و برای ما بفرستید.

[www.iraneabad.org](http://www.iraneabad.org)

برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون حزب و روند عضویت می توانید در سمینارهای اینترنتی ماهیانه ی ما شرکت کنید. برای این منظور با آدرس ایمیل زیر تماس بگیرید:

[hezbiraneabad@gmail.com](mailto:hezbiraneabad@gmail.com)



## راهنمای کار اطلاع رسانی خیابانی در خارج از کشور

حفظ تداوم مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور به همان اندازه مهم است که در داخل

به نظر می رسد یک شکل موثر در حمایت از مردم ایران در خارج، تداوم افشاگری به شکل عملی است و تجربه نشان داده که این تداوم، زمانی عملی خواهد شد که کار جمعی صورت گیرد. یعنی در هر شهر در خارج، هسته ای از چند نفر فعال، که واقعاً به پی گیری در تداوم حرکت معنقد باشند، تشکیل شود. بدون چنین کار منظم و پی گیری جو انفعال در خارج بیش از پیش غالب می شود.

توصیه هایی که در زیر می شود توسط ایرانیانی که به طور عملی این فعالیت ها را انجام داده اند ارائه شده و بیانگر تکامل مبارزه ی مدنی در خارج است:

- در صورت امکان تبدیل شهر محل سکونت به تریبون افشاگری از طریق کمپین های مختلف - با استفاده از وسایلی مانند یک میز تاشو، تصاویر، اسناد و یک چرخ دستی - به طور روزانه یا هفتگی.
- تداوم این حرکت، زیرا این کار برای ما اعتبار و ارتباطات وسیع با اقشار گوناگون ایجاد می کند. تجربه نشان داده که با تداوم - همیشگی یا یک یا چند بار در هفته - محل این حرکت تبدیل به نقطه اتصال بین ایرانیان و خارجی ها می شود.
- برخورد محترمانه و دوستانه و با علاقه و انرژی افراد را به سوی شما جذب خواهد کرد.
- اداره کنندگان باید باتجربه باشند، زیرا ما با فاشیست های سازمان یافته مذهبی از کشورهای اسلامی در تمامی عرصه ها اختلاف داریم. عوامل رژیم هم می توانند توطئه کنند، باید با برخورد حرفه ای و مدنی فعالیت های آنها را خنثی کرد.
- اسناد باید دقیق، معتبر و با ذکر منبع باشند. تجربه نشان داده که اعتبار اسناد کمپین را تبدیل به مرکز خبر رسانی می کند. از کلی گویی بپرهیزید.
- به این موضوع توجه کنیم، که شما در روز هزاران تماشاگر حضوری دارید، که می توانید بدون سانسور اخبار ایران را در اختیار آنها قرار دهید. از هر فرصتی برای به جای گذاشتن یک تاثیر ماندگار استفاده کنید.
- از جمع آوری امضا تا حد امکان خوداری کنید، زیرا خیلی ها اعتماد نمی کنند و در ضمن حوصله و وقت آنها ندارند. مگر در مواقع ضروری و هدفمند. آدرس سایت و ایمیل بدهید تا با شما در تماس باشند.
- به فکر پخش اعلامیه نباشید مگر به صورت ضروری. پیام خود را با آفیش و تراکت های بزرگ به دید رهگذران برسانید. از بلاکارد و تصاویر بزرگ و اگر امکانات دارید از اکران های بزرگ و کامپیوتر استفاده کنید.
- برای فعالیت خود اجازه برای چند ماه و چند روز در هفته در ساعت های شلوغ آن خیابان به دست آورید، زیرا در این حالت امکان مانور خواهید داشت. شرایط هوا و گرفتاری های زندگی را در نظر داشته باشید.
- تلاش کنید بین خود تقسیم کار و زمان بندی کنید. هر روز به تعدادی که لازم است حضور پیدا کنید و به این ترتیب با به وجود آوردن دو یا چند تیم و تقسیم روزهای هفته یا هفته های ماه اجازه دهید که کار تداوم پیدا کند.
- با بررسی امکانات محیط، مغازه ای در همان نزدیکی بیابید تا وسایل را در همان نزدیک محل میز نگهداری کنید.
- بودجه ی لازم برای پیشبرد و تداوم بخشیدن به کار را پیش بینی کنید.
- خیلی از ایرانیان و غیر ایرانی ها از جنایت های جمهوری اسلامی خبر ندارند، برگزاری اینگونه کمپین ها اولین گام است.
- هرگز نیاندیشید که اطلاع رسانی بی فایده است.
- روابط این کمپین ها باید با عفو بین الملل و سایر سازمان های حقوق بشری نزدیک باشد.
- روابط با احزاب و سازمان های ملی و محلی کشور محل زندگی خود توصیه می شود.
- با روزنامه ها، رادیوها و رسانه های محلی تماس بگیرید. فعالیت خود را در آنها منعکس کنید. با خبرنگاران رابطه برقرار کنید و فعالیت خود را موثر و کارآ بسازید.



**حزب ایران آباد**

جایگاهی برای فعالیت ایرانیان مسئولیت پذیر

[www.iraneabad.org](http://www.iraneabad.org)



# درباره‌ی سازماندهی و مدیریت

## بخش دوم

مهندس کامران مهرپور

بخش نخست این نوشتار که در خودرهاگر شماره یک انتشار یافته بود اینگونه به پایان می‌رسید:

” با پیچیدگی مجموعه‌ی ابزاری که به خدمت بشر در آمده، به کارگیری علم سازماندهی و مدیریت - در هر عرصه‌ای، از پایین‌ترین سطوح زندگی فردی تا بالاترین سطوح زندگی اجتماعی - دیگر یک انتخاب نیست. شهروند مدرن اگر فرا نگیرد جنبه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی اش را خود سازماندهی و مدیریت کند، بدون آن که بداند، مدیریت میشود. با فراگیری سازماندهی و مدیریت، بشر امروزی شاید بخت آن را داشته باشد خود بازبگر صحنه‌ی زندگی اش باشد و اگر نکند، بازبچه‌ی دست دیگران خواهد شد.“

سخن را در این شماره با بحثی درباب چرایی ضرورت کار سازمان‌یافته برای مقابله با نظام استبدادی حاکم بر ایران و در شماره‌های آینده با چگونگی تشکیل و مدیریت گروه‌های کوچک خودسازمان‌یافته ادامه خواهیم داد:

**یافتن همراهان قابل اعتماد و قالب مناسب کار، گام نخست در امر سازماندهی**

شناخت اندکی از تاریخچه‌ی مبارزات ضد استبدادی در کشورهای مختلف ما را بس که دریابیم بر خلاف تصور رایج، مبارزه با نظام‌های حاکم و در نهایت سرنگونی آن‌ها هرگز به وسیله‌ی عامه‌ی مردم انجام نشده است. در تمامی تجارب تاریخی، این همواره یک قشر کوچک آگاه و سازمان‌یافته‌ی جامعه بوده است که پرچم مبارزه را برافراخته و اگر توده‌های منفعل و خاموش پا به میدان گذاشته‌اند تنها در مراحل پایانی قیامی بوده که این اقلیت کنشگر تدارک دیده و آغاز کرده بودند.

با این درس از تاریخ بشر، چنانچه امروز خود را جزو آن دسته از ایرانیان آگاهی می‌دانیم که به هیچ وجه بنا ندارند از سرآشتی با رژیم‌های که کشور ما را خاک سیاه نشانده درآیند، وظیفه‌ی ما مشخص است: دشمن ما منسجم و سازماندهی‌شده بر گرده‌ی ما سوار شده، بنابراین ما هم باید از پراکندگی درآییم. باید قالب‌های مناسب برای کار جمعی سازمان‌یافته را پیدا کنیم و آن گونه که

باید و شاید به جنگ دشمن برویم. چنانچه باور پیدا کرده‌ایم که با فعالیت فردی و پراکنده هرگز در این راه موفقیتی نخواهیم داشت، دیگر وقت خود را به بحث‌های بی‌انتهای نگذرانیم، بدون ائتلاف وقت به دنبال پاسخ به دو پرسش زیر برویم و سپس دست به کار شویم:

- ۱- در چه قالب و شکلی کار جمعی سازمان‌یافته را انجام دهیم؟
- ۲- چگونه و کجا برای انجام کار جمعی سازمان‌یافته یارگیری کنیم؟

**قالب و شکل کار جمعی سازمان‌یافته : سازماندهی در خارج، خودسازماندهی در داخل کشور:**

می‌دانیم که دشمنان ما به شکل سازمان‌یافته به دنبال ضربه زدن و نابودی هر نیروی مخالفی - که چه در خارج و چه در داخل کشور موقعیت رژیم را به خطر بیاندازد - هستند؛ کاری که بدون وقفه در این ۳۷ سال پی‌گیری شده است. با این همه برای کنشگران در خارج بر خلاف داخل کشور، چنانچه هوشیار باشند، امکان فعالیت علنی و به شکل نسبی به دور از گزند رژیم وجود دارد. بنابراین در پاسخ به پرسش نخست، در مورد ایرانیان خارج از کشور شکل کار جمعی مناسب سازماندهی در قالب احزاب مردمی و دمکراتیک خواهد بود. لذا مشغول کردن خود در هر گونه جمع و محفل «سیاست باز» دیگری که با تعاریف مشخص از یک حزب سیاسی انطباق نداشته باشد، شاید سرگرم‌کننده باشد، اما بدانیم که هیچ کمکی به براندازی یک رژیم خودکامه نخواهد کرد.<sup>۱۰</sup>

پیشبرد مبارزه در درون کشور اما به شکل متفاوتی باید انجام بگیرد چرا که تصور آن بتوان تحت سیطره‌ی این رژیم به نوعی از فعالیت سازمان‌یافته‌ی سیاسی علنی تأثیرگذار دست زد توهمی بیش نیست. از این رو راهکار مناسبی که ما برای داخل کشور پیشنهاد می‌دهیم **خودسازماندهی** نیروهای کنشگر در قالب گروه‌های کوچک بین ۲ تا ۵ نفر است که مخفی و مستقل از هم عمل خواهند کرد تا احتمال زیر ضرب قرار گرفتن آنها به حداقل برسد.

گروه‌هایی که خواهند توانست با تکیه بر آموزش‌های ارائه شده در خارج از کشور<sup>۱۱</sup> و یافتن راهکارهای خلاقانه که منطبق با حوزه‌ی اجتماعی خود باشد دست به کنشگری بزنند.

### چگونه و کجا برای انجام کار جمعی سازمان‌یافته یارگیری کنیم؟

همانند قالب کنشگری که در خارج از کشور متفاوت با داخل باید باشد، یافتن دیگر کنشگران و ایجاد رابطه با آنان نیز باید چنین باشد. با توجه به تلاش دائمی رژیم برای شناسایی و سرکوب مستقیم یا غیرمستقیم مبارزین باید بدانیم که این امر کار ساده‌ای نیست و در داخل ایران البته به مراتب دشوارتر خواهد بود. هوشیاری دائمی می‌طلبد و آگاهی یافتن از روش‌های متعدد و پیچیده‌ای که سرویس‌های اطلاعاتی به آن متوسل می‌شوند ضروری است. آنچه اما به ما کمک بزرگی خواهد کرد توجهی است که باید به تفاوت ماهوی بزرگی که بین دشمنان انسان ایرانی و کنشگران راستین وجود دارد داشته باشیم، یعنی عنصر پایبندی به اخلاق، شرافت و ارزش‌های انسانی. دشمنان ما موجوداتی به طور ماهوی ضد انسان هستند که حتی برای پیشبرد کار خود قادر نخواهند بود به مدت طولانی ماهیت کثیف خود را پنهان نگاه دارند. از این رو پیش از یارگیری، بخصوص برای کنشگران داخل کشور، لازم است به طرز تفکر، سخنان و از همه مهمتر رفتار افرادی که مورد نظر داریم دقیق شویم. یاران ما در صفوف انسان‌های شرافتمند، راستگو و درستکار هستند، کسانی که با استبداد و سیستم ضد انسان آن سر همکاری ندارند. دقت به این نکته خطر نفوذ وابستگان رژیم مبتنی بر جهل و فساد را در جمع کنشگران اخلاق مدار بسیار کم خواهد کرد. پیش از آغاز به صحبت درباره‌ی مسائل مبارزاتی می‌توانیم با فرد مورد نظر خود همراهی و در فعالیت‌هایی از نوع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره شرکت داشته باشیم تا شناخت بیشتری از او در زمینه‌ی پایبندی‌اش به ارزش‌های اخلاقی پیدا کنیم و تنها زمانی یک قدم به وی نزدیک شویم که در آزمون اخلاق و شرافت انسانی روسفید از آب در آمده باشد.

بر خلاف بسیاری از جریان‌های سیاسی دیگر ایرانی، نگاه حزب ایران آباد به امر سرنگونی رژیم استبدادی جمهوری اسلامی،

نگاهی فعال است. بدین معنا که ما بنا نداریم در انتظار بمانیم که شاید روزی قیام مردم ایران رخ بدهد و سپس حزب ما برای رهبری آن وارد صحنه شود. **تدارک قیام مردمی** از مراحل پیش بینی شده در برنامه‌ی سیاسی ماست. در این راستا و در امتداد نوآوری بزرگی که سازمان خودرهاگران - با ارائه‌ی تولیدات تصویری، صوتی و نوشتاری درباره‌ی فن سازماندهی و خودسازماندهی قدرت اجتماعی - در عرصه‌ی مبارزات سیاسی و اجتماعی ایرانیان انجام داده بود؛ حزب ایران آباد نیز آموزش علاقمندان به کنشگری را از وظایف مهم خود می‌داند. از این رو در خارج از کشور با تشکیل منظم جلسات مجازی (وبینار) اشکال مختلف همکاری با حزب ایران به هموطنان علاقمند توضیح داده می‌شود. همچنین اگر تصمیم به همکاری نزدیک‌تر گرفتند، داوطلبین عضویت در حزب آموزش‌های لازم برای همکاری با ما را در طول زمان لازم دریافت می‌کنند. از این رو نگاه ما در زمینه‌ی فن سازماندهی از شماره‌ی آینده‌ی رو به داخل کشور بوده و نوشتارهای تحت عنوان «درباره‌ی سازماندهی و مدیریت» به آموزش فن سازماندهی و مدیریت گروه‌های «خودسازمانده» در داخل کشور خواهد پرداخت. سخن را این‌گونه پایان می‌بریم:

این نظام در هر زمینه‌ای که تصورش را بکنیم در حال کشاندن ایران ما به سوی نابودی است. وقت آن رسیده که یک بار برای همیشه به خود بگوییم قرار نیست موجود موهومی به نام "همه‌ی مردم" ظهور کند تا ما را از دست این رژیم نجات دهد! رهایی جامعه‌ی ایرانی در گرو کار جمعی گروهی - شاید کوچک - از انسان‌های خودباور و آگاه ایرانی است که ضرورت کار جمعی سازمان‌یافته را درک کرده باشند. «یک درصدی» هایی که پس از فراگیری علم و تکنیک سازماندهی دست به کار پس گرفتن ایران از دست دشمنان آن بشوند. اگر ما ایرانی متفاوت با جهنم امروزی می‌خواهیم، لازم است از بهای سنگین آزموده‌های ناکام گذشته درس عبرت بگیریم. وقت آن رسیده که ما ایرانیان آزاده زاویه‌ی دید خود نسبت به راهکار ایجاد تغییر اجتماعی در ایران را متحول کرده و به آن از دید فنی و علمی نگاه کنیم. رمز موفقیت ما نه در کمیت گرایی و توده گرایی، بلکه در کیفیت کار سازماندهی‌شده‌ی ما و هماهنگی مدیریت‌شده بین نیروهای کنشگر نهفته خواهد بود و بس. #



### بسیج مالی بینندگان تلویزیون دیدگاه

تلویزیون دیدگاه یکی از پربیننده‌ترین رسانه‌های سیاسی داخل کشور می‌باشد که بدون هیچ گونه وابستگی مالی در خدمت بررسی و بیان دقیق حقایق کشورمان قرار دارد. مشارکت هموطنان کرامی مسئولیت پذیر در تامین هزینه‌های این رسانه‌ی مردمی، ضامن استقلال تلویزیون دیدگاه، بدون دادن باج و امتیاز به منابع مالی خاص است. شهروندان ایرانی کرامی می‌توانند برای ارائه‌ی همیاری مالی خود از طرق زیر تماس حاصل فرمایند:

www.didgah.tv - 001-747-200-5560 - didgahTV@yahoo.com



<sup>۱۱</sup> سازمان خودرهاگران از سال ۸۸ مطالب تخصصی بیشتری در زمینه‌ی سازماندهی و خودسازماندهی در خدمت کنشگران گذاشته

## اجتماعی شدن ( اجتماعی کردن ) - Socialization

روندی که به واسطه ی آن فرد ارزش ها، معیارهای اخلاقی، هنجارها و قراردادهای اجتماعی حاکم را فرا گرفته و در خود نهادینه می کند. بزرگترین بخش از این روند پیوسته و مداوم اجتماعی شدن در دوران کودکی انجام می شود، هر چند که پس از این دوران نیز در یک سیر زمانی طولانی همچنان ادامه می یابد. در دوران بلوغ فرایند اجتماعی شدن در سیر کنش و واکنش با اشخاصی که روی فرد نفوذ خواهند داشت ادامه یافته و این امر بر روی آگاهی اجتماعی، ساختن تصویر اجتماعی از خود و نیز بر رفتار اجتماعی وی تأثیر می گذارد.

ابزارهای اجتماعی شدن عبارتند از: خانواده، مدرسه، رسانه ها و دیگر گروه های اجتماعی که بر اساس ارزش های مبتنی بر قواعد حاکم بر جامعه عمل می کنند. در سیر اجتماعی شدن، سیستم اجتماعی حاکم انسان ها را به اشخاصی تبدیل می کند که به نوبه ی خود توانایی مشارکت در بازتولید الگوهای رفتاری حاکم بر جامعه را داشته باشند. در این روند انسان ها طبق «عادت» هر آن چه را که توسط هنجارهای حاکم دیکته می شود؛ کم یا بیش می پذیرند، حتی اگر این الگوهای رفتاری از دریچه ی خرد و آگاهی بیرونی غیر قابل قبول محسوب شوند. در روند «اجتماعی کردن سیاسی» (Political Socialization) به اشخاص آموزش داده می شود تنها از طریق روش های نهادینه که از پیش از جانب طبقه ی سیاسی حاکم تعیین و تثبیت گشته در تصمیمات اجتماعی مشارکت کنند. در یک کلام «اجتماعی کردن» یا «اجتماعی شدن» روند هم رنگ کردن تازه واردان به جامعه بر اساس نظم اجتماعی حاکم می باشد. به همین دلیل نیز تصور تغییر در نهادها، الگوها و ساختارها برای اکثریت مطلق اعضای جامعه آسان نیست.

جامعه شناسی: مفاهیم و واژه ها

نشریه ی "خودرهاکر"

شماره دو - ۲۸ مه ۲۰۱۶

دفتر تولید، پژوهش و آموزش حزب ایران آباد

آدرس پستی:

Po.Box 302 Van Nuys

CA 91408 USA

Tel: 1-747-200-5560

Email: [hezbiraneabad@gmail.com](mailto:hezbiraneabad@gmail.com)

تنها مطالبی که به امضای دفتر سیاسی

حزب ایران آباد رسیده است بیانگر

نظرات رسمی حزب خواهند بود.

سایر مطالب بیانگر نظرات

نویسندگان آن می باشند.

حق انتشار با ذکر منبع آزاد است.

صدای دیدگاه را بشنویم و تلاش کنیم که دیگران هم بشنوند!  
[www.soundcloud.com/didgahTV](http://www.soundcloud.com/didgahTV)



چگونه وقایع را تحلیل کنیم!

رادیو دیدگاه:

بخش بیست و چهارساعته ی

برنامه های آموزش سازماندهی و

برخی از برنامه های زنده تلویزیون دیدگاه

[www.radiodidgah.com](http://www.radiodidgah.com)

